

بررسی عوامل مؤثر بر هویت شهروندی زنان شهر اصفهان

نفیسه صدر ارحامی* دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۰
اکرم حمیدیان** پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۳

چکیده

هویت شهروندی شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین بنیادین مشترک است که دربردارنده احساس تعلق، تعهد و احترام به میراث مشترک، همچنین تشخیص حقوق و تکالیف شهروندی است. در این راستا، پژوهش حاضر رابطه قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، هویت‌های سه‌گانه و آموزش شهروندی را با هویت شهروندی زنان شهر اصفهان با استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری بررسی می‌کند. روش پژوهش کمی و از نوع پیمایش و جامعه آماری پژوهش شامل تمام زنان ۱۵-۵۹ ساله ساکن شهر اصفهان است.

نتایج حاصل از مدل‌سازی معادله ساختاری نشان داد که در ارتباط با چهار متغیر قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، هویت‌های سه‌گانه و آموزش شهروندی هر کدام از شاخص‌ها از قدرت تبیین‌کنندگی بالایی برخوردار بوده است و از بین این متغیرها، آموزش شهروندی بیشترین اثر را بر هویت شهروندی با ضریب ۰/۸۱ دارد و بعد از آن نیز اثر سطح مسئولیت‌پذیری با ضریب ۰/۶۹ قرار دارد. هر چهار متغیر قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، هویت‌های سه‌گانه و آموزش شهروندی بر هویت شهروندی اثر مستقیم و معنادار است.

واژگان کلیدی

هویت شهروندی، قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، آگاهی شهروندی

زندگی اجتماعی افراد و هویت آنان به‌عنوان شهروند، به‌دلیل بقاء و دوام جامعه بوده و ضرورتاً هویت اجتماعی بر هویت افراد برتری دارد. در این تفکر، شهروندی به معنای عضویت کامل در جامعه و عمل به تعهدات و وظایف است که در قالب مشارکت اجتماعی و سیاسی در جامعه و حکومت تبلور می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که افراد بدون اجبار و محدودیت با عمل به مسئولیت اخلاقی و وظایف اجتماعی، منافع خود و جامعه را دنبال می‌کنند (گنجی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۲۳). ویکتور هوگو^۱ در «نتردام پاریس»^۲، شهر را کتابی سنگی می‌خواند. والتر بنیامین^۳ (۱۹۹۹) هم شهر را کتابی حماسی می‌داند که حاصل به‌خاطر سپاری انسان پرسه‌زن در شهر است (Soltani et. al., 2013, p.90). چنین خوانش‌هایی از شهر، بیش از هر چیز بیانگر اجتماعی بودن فضای شهری است؛ فضایی که در آن حیات، فرهنگ، سنت و رخدادهای پیشینی تداوم می‌یابد، یا در شکلی دیگر بازتولید می‌شوند. چنین تداوم و بازتولیدی است که حافظه‌ای جمعی را در فضای شهری در میان شهروندان شکل می‌دهد. حافظه جمعی در فضای شهری، محصول تعاملات اجتماعی کنشگران شهری و شهروندان با یکدیگر است و در این فرآیند هویت شهروندی شکل می‌گیرد. وقتی هوگو شهر را کتابی سنگی می‌خواند، همین مسئله را در نظر دارد. شهر فضایی اجتماعی است که در آن داستان و روایت شهروندان نوشته می‌شود و با گذشت زمان استحکام پیدا کرده و تبدیل به یک روایت مشترک از شهر شده و هویت شهروندی را شکل داده و بازتولید می‌کند.

امروزه مفهوم شهروندی به‌عنوان یکی از مفاهیم دنیای مدرن هدایتگر تعاملات پایدار انسانی است. شهروندی، رابطه بین فرد و جامعه را در قالب حقوق و مسئولیت‌ها بازنمایی می‌کند؛ از سویی حل مسائل شهری، بحران‌های شهرنشینی و اصلاح رفتار شهروندان، وجود یک فرهنگ مناسب شهروندی و شهرنشینی همانند مسئولیت‌پذیری شهری، قانونمند بودن شهروندان و هنجارپذیری از الگوهای شهرنشینی است و این مقولات جزء ضرورت‌های زندگی شهری می‌باشند؛ به‌طوری‌که همه اجزای زندگی شهری با در نظر گرفتن نقش فرهنگ در مناسبات اجتماعی شهر، تأسیسات شهری، نظام حمل‌ونقل، کالبد شهر و کاربرهای شهری لازم

است که سعی کنند تعادل لازم را به وجود آورند. نکته اساسی در تبیین مطالعات مرتبط با شهروندی این است که نمی‌توان شهروندی را صرفاً از منظر حقوقی و قانون یا از منظر رابطه شهروندی و دولت بررسی کرد (فاضلی، ۱۳۸۶، ص ۲) مسئله هویت شهروندی به سبب ترکیب دو مقوله هویت و شهروندی با همدیگر نوعی تمایز و بازشناسی خودها در معنای شهروند بودن است که دارای بعد تاریخی نیز است. مفهوم شهروندی دربردارنده عناصر حقوق، مسئولیت‌ها، تکالیف و احساس تعلق است که در مقابل سایر شهروندان و دستگاه‌های اجرایی معنا می‌یابد و گویای نوعی «پذیرش نهاده شده» در ابعاد ارزش‌ها، دانش و آگاهی‌ها، توانایی‌ها و مهارت‌ها و انتظارات افراد جامعه است. هویت شهروندی در جامعه می‌تواند در حل بسیاری از مسائل جامعه دخیل باشد و براین‌مبنا، هویت به‌عنوان یک ثروت درونی فرد جامعه‌پذیر می‌شود و می‌تواند برای فرد کسب اعتبار کند. از آنجاکه امروزه مهاجرت به شهرهای بزرگ منجر به تکه‌تکه شدن کلان‌شهرها از نظر هویتی شده، به‌گونه‌ای که هرکسی در این میان می‌خواهد بگوید (من هم هستم) و من را ببینید، الزام پابندی به یک هویت منسجم مانند هویت شهروندی بیش‌ازپیش یک ضرورت کاربردی است؛ چراکه در حال حاضر در بسیاری از مواقع شیوه‌های مختلف ابراز وجود و اعلام هویت به یک ضد ارزش تبدیل شده‌اند. همچنین شهروندی و رفتار شهروندان از متغیرها و عوامل بنیادین در گسترش قانون‌گرایی و مسئولیت‌پذیری و به دنبال آن توسعه جوامع بشری است که اهمیت یافتن آن در مطالعات اجتماعی و پرداختن به آن در این پژوهش نشئت گرفته از آن است. در بررسی و مطالعه مفهوم شهروندی، همواره یک آمیختگی و رابطه تنگاتنگ با اخلاق و آموزش اخلاقی دیده می‌شود (Fatiminya, 2007, p.7). از سوی دیگر، هویت و یا به‌عبارتی چیستی و ماهیت امور، به یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل حوزه‌های مختلف فرهنگ و زندگی مردم در جوامع جدید، در دوران اخیر تبدیل شده است. در برابر جریان امواج فرهنگی از سوی کشورهای قدرتمند صنعتی و اقتصادی، دخالت عقلانی و صنعتی انسان در محیط، موضوع بازشناسی هویت و احیای آن در نواحی شهری به ضرورت مهمی در سیاست‌گذاری شهری و تعیین ساختار فرهنگی در شهرهای بزرگ و کوچک تبدیل شده است. به نظر می‌رسد با توجه به ظهور اشکال مختلف از منبع هویت اجتماعی

و فرهنگی در مناطق شهری و آثار و نتایج منفی آن در کارکرد عناصر اجتماعی و روانشناسی در شهرها، لازم است این مسئله، به‌ویژه در ارتباط با فضای جغرافیایی و مکانی بیشتر بررسی گردد. همچنین نظر به اثرگذاری روزافزون زنان در عرصه‌های اجتماعی - سیاسی، ضروری می‌نماید تا مسائل هویتی اجتماعی - سیاسی این گروه مطالعه گردد. بر همین اساس این پژوهش در نظر دارد تا عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با هویت شهروندی زنان شهر اصفهان با استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری بررسی و تحلیل ساختاری کند.

واکاوی نظری تحقیق

هویت شهروندی: هویت شهروندی یکی از هویت‌های اجتماعی است که به لحاظ تاریخی از قدمت زیادی برخوردار نیست، اما همچون سایر هویت‌ها هم دارای اهمیت است و هم دارای دو ویژگی است که عبارت‌اند از تصویری که فرد از خود دارد و نحوه تصور دیگران از وی در جامعه؛ دیگر اینکه این هویت پویاست و در شرایط خاص شکل می‌گیرد و نتیجه رابطه هویتی بین دولت و ملت است (Falox, 2002). بحث درباره شهروندی مدرن بیشتر در مقاله کلاسیک تی اچ مارشال با عنوان «شهروندی و طبقه اجتماعی» مطرح شده است. مارشال معتقد بود که شهروندی درباره عضویت در یک اجتماع است و سه نوع حق شهروندی «مدنی، سیاسی و اجتماعی» را مشخص کرد. الکسی دوتوکویل بر فضیلت مدنی در هویت شهروندی تأکید می‌کند. داوطلب شدن و فضیلت مدنی عناصر اصلی جامعه مدنی در انتقادات دوتوکویل از جامعه اواخر دهه اول قرن بیستم است. به عقیده میشل والرز علاقه‌مندی به مسائل عمومی و دل‌بستگی به اهداف عمومی علائم اصلی فضیلت مدنی است. قطعاً همه فعالیت‌های سیاسی شایسته لقب فضیلت یا کمک به جامعه مشترک نیست. پذیرش مداوم و تعقیب منافع عمومی به هزینه همه اهداف کلاً فردی و خصوصی را می‌توان معنی اصلی فضیلت مدنی نامید (وثوقی و حضرتی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶). هابرماس، صاحب‌نظر مکتب انتقادی، ایده‌هایی را درباره شهروندی بیان کرده است. از نظر هابرماس افراد نقش شهروندی را در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی پیدا می‌کنند. در نقش شهروندی، فرد عضو تمام‌عیار جامعه

خود است و شأن حقوقی ویژه‌ای دارد. وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل می‌کند. به این دلیل، دسترسی برابر به حقوق مشارکتی از نظر او بسیار مهم است. اعضای جامعه با توجه به توانایی تغییر حیات اجتماعی خود در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی به ایفای نقش شهروندی می‌پردازند که پیش شرط ظهور آن تعدد و تکثیر در اشکال زندگی، ارتباطات عمومی، مسئولیت حقوقی شهروندی است (شیانی، ۱۳۸۴؛ Habermas, 1994, p.167). هابرماس حرکت جهان را به سمتی می‌داند که همه شهروندان باید به شکل مردم‌سالار و فعال در آن ایفای نقش کنند؛ بنابراین، باید از حقوق خود آگاهی داشته باشند (انصاری، ۱۳۸۴، ص ۹۹؛ Sheiyani & Sepahvand, 2013, p.474).

مطالعات صورت گرفته در خصوص هویت شهروندی نشان از آن دارد سطح متغیر نفوذپذیری و سطح متغیر درهم‌تنیدگی بر احساس هویت شهری اثرگذار است (Ghasemi & Negini, 2010). شبکه‌ها و رسانه‌های جمعی بر آگاهی و تقویت نگرش افراد جامعه مؤثر است (Hall, 2007). در مقایسه جنسیتی و تأهل نیز دیده می‌شود که در زنان در مقابل مردان وظایف شهروندی را بیشتر دارای منشأ عرفی دانستند و احساس تعلقی بیشتر از مردان دارند (رحمانی و دیگران، ۱۳۹۳) و مردان و افراد مجرد گرایش بیشتری به قانون‌گریزی، نسبت به زنان و افراد متأهل دارند (میرفردی و دیگران، ۱۳۹۴).

از نظر کاستلز، هویت یعنی آنچه موجب تشخیص فرد می‌شود. پیداست که واژه هویت حقیقت، چیستی و هستی را می‌رساند. گرایش به جست‌وجوی این معنا مقوله تازه‌ای نیست و کاوش برای بازیابی هویت از ابتدای شکل‌گیری جامعه بشری همواره سرچشمه معنا برای انسان‌ها بوده است (Castells, 2006-b, p.29)؛ اما در فرایند جدید تحولات جهانی و اجتماعی که مقولاتی مانند تنوع و تکرر اهمیت یافته‌اند، هویت به یکی از متغیرهای اصلی جهان امروز تبدیل شده است و به نوعی در حال دگردیسی به الگوهای تازه‌ای است. بسیاری از نظریه‌پردازان معاصر معتقدند که در دوران مدرن هویت بسیار سیال، فردی، بازتابنده و موضوعی برای دگرگونی و بدعت است. گیدنز، نظریه‌پرداز اجتماعی برجسته معاصر، بر آن است که پدیده‌های مدرن از جمله پدیده شهروندی برخوردار از پیشینه تاریخی بلندمدت و

کوتاه‌مدت است. او با تأکید بر نقش فرد در تشکیل هویت، آن را آگاهی فرد نسبت به خویش می‌داند. برداشتی که گیدنز از هویت دارد، به برداشت کان از هویت نزدیک است. در این برداشت از هویت هم اجتماعی و هم فردی یاد شده، اما بر بعد فردی و نقشی که خود فرد در دنیای مدرن در شکل‌گیری و بازسازی هویت دارد و بر جنبه پویای هویت تأکید بیشتری شده است. گیدنز جنبه‌های روانی و چالش‌های هویتی را در دوران جدید مورد توجه قرار داده است و بازاندیشی در هویت را در پرتو معیارها و ارزش‌های جدیدی که دائماً در حال تغییر است، ویژگی دوران جدید و نتیجه گسترش فناوری‌های اطلاعاتی ارتباطی و جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ می‌داند. او در مقام یکی از جامعه‌شناسان بزرگ معاصر هویت در دوران مدرن را دارای خصلتی بازاندیشانه می‌داند؛ بازتابندگی هویت به معنای سیال بودن هویت و تغییر آن در نتیجه تغییر شرایط فرهنگی و اجتماعی و ظهور دانش‌ها، به‌خصوص فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای جدید است (Giddens, 2007, p.122).

تاجفل هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و عضویت گروهی را متشکل از سه «عنصر شناختی» (آگاهی از این‌که فرد به یک گروه تعلق دارد)، «عنصر ارزشی» (فرض‌هایی در مورد پیامدهای ارزشی مثبت و منفی عضویت گروهی) و «عنصر احساسی» (احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند) می‌داند؛ براین‌اساس، از نظر تاجفل هویت اجتماعی عبارت است از آن بخش از برداشت‌های یک فرد که خود از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه‌های اجتماعی، همراه با اهمیت ارزشی آن عضویت سرچشمه می‌گیرد. اساس نظریه تاجفل توجه به جنبه‌هایی از هویت است که از عضویت گروهی ناشی می‌شود، به نظر وی اجتماع از افرادی تشکیل شده است که با هم و بر اساس پایگاه و قدرتشان رابطه دارند و ساختار این ارتباط گروهی برای شکل‌بندی هویت دارای اهمیت است (سلیمیان، ۱۳۹۶، ص ۱۴۲). به نظر تاجفل هویت اجتماعی یک بخش از خود تعریف فرد است که از آگاهی او به یک گروه اجتماعی سرچشمه می‌گیرد و هویت اجتماعی رقابت نبوده و بلکه وابسته به مشارکت درون‌گروهی تغییر می‌کند (توسلی و اصل زعیم، ۱۳۸۷، ص ۱۰).

در یک جمع‌بندی، هویت اجتماعی از دو جهت اهمیت دارد: یک. بیانگر تصور فرد از خویشتن و نحوه تصور دیگران از او در جامعه است و دو. به اقتضای شرایط اجتماعی پویا شکل می‌گیرد که اگر محصول رابطه هویتی بین دولت و ملت باشد، هویت شهروندی نام می‌گیرد. به بیان دیگر، احساس تعلق به یک جامعه نتیجه عناصر عینی و ذهنی تشکیل‌دهنده فرد و دولت است که با ارجاع به مفهوم و مؤلفه‌های «شهروندی» می‌توان آن را شناسایی کرد (محمدی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۷۰). برداشت‌ها و نگرش‌هایی که ناظر به مفهوم جامعه مدنی و شهروندی است، بر روند فرایند سرشت و سرنوشت شکل‌گیری و شکل‌دهی به شهروندی در یک جامعه تأثیر به‌سزایی دارد؛ بنابراین، فهم پدیده‌ها بر نحوه عینیت‌یافتگی آن‌ها مؤثر است؛ لذا شناخت برداشت‌های نظری از مفاهیم کمک زیادی به شناخت پدیده‌ها می‌کند. این اصل در مورد مفهوم شهروندی نیز صادق است. به این ترتیب شهروندی بیش از هر هویت دیگری قادر است انگیزه‌های اساسی انسان‌ها را که هگل آن را نیاز به رسمیت شناخته شدن می‌نامند، ارضاء کند. موقعیت شهروند بر یک حس عضویت داشتن در یک جامعه گسترده دلالت دارد (صرافی و عبدالهی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۸). این موقعیت، کمکی را که یک فرد خاص به آن جامعه می‌کند، می‌پذیرد، درحالی‌که به او استقلال فردی را نیز ارزانی می‌دارد. شهروندان، کارگزاران خلاق، همواره راه‌های جدیدی برای بیان شهروندی‌شان می‌یابند. برای شکل دادن به نیازها و آرزوهای در حال تغییر شهروند و جامعه به حقوق، وظایف و نهادهای جدیدی نیاز خواهد بود. از آنجاکه شهروندی در مورد روابط انسانی است، نمی‌توان تعریفی ساده و ایستا را که برای همه جوامع و همه آن‌ها به کار می‌رود، ارائه کرد (Falox, 2002, p.9).

چارچوب نظری

ترنر شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و الزامات اجتماعی دانسته که به افراد در یک جامعه شهری، هویت رسمی و قانونی داده است (Fahimi, 2014, p.178). او یک طرح تکمیلی و تجربی برای مطالعه شهروندی ارائه داده است که می‌توان آن را مبنایی برای «رویکرد جامعه‌شناسی تجربی شهروندی» تلقی کرد. در طرح ترنر پدیده شهروندی با چهار مؤلفه جامعه‌شناسی تحلیل و تبیین می‌شود: الف. شکل

اجتماعی شهروندی: اینکه شهروندی از بالا به پایین، یعنی از دولت به سمت جامعه شکل گرفته است یا از پایین به بالا، یعنی از جامعه و نهادهای مدنی به سمت دولت؛ ب. قلمرو اجتماعی شهروندی: شهروندی بیشتر متمایل به شکل‌گیری در حوزه عمومی بوده است یا خصوصی؛ پ. گونه اجتماعی شهروندی عمدتاً و در عمل ناظر به ایفای وظایف، تکالیف و مسئولیت‌ها و تعهدات شهروندی بوده است یا معطوف به حق و امتیازات شهروندی بوده است؛ بنابراین شهروندی در سه سطح قابل بحث است. منزلت، حقوق و هویت سطوح سه‌گانه آن را تشکیل می‌دهد. در سطح اول شهروندی به مثابه منزلت است که عضویت در یک جایگاه و ایفای نقش مورد انتظار در اجتماع را توضیح می‌دهد. در سطح دوم، شهروندی در بعد حقوقی ارزیابی می‌شود که بیانگر ظرفیت‌ها و مصونیت‌هایی است که با منزلت ارتباط دارد. در سطح سوم، شهروندی به مثابه هویت مطرح می‌شود که حاکی از جنبه‌های رفتاری کنش فردی در برابر جامعه و درک این مطلب است که فرد بخشی از جامعه را تشکیل می‌دهد. البته این پنداشت‌ها از شهروندی ارتباط تنگاتنگی با حاکمیت رسمی دارد (ون دایک، ۱۳۸۲). هویت شهروندی از یک طرف با تعلق شهری ارتباط دارد و از طرف دیگر، با هویت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (Castells, 2006-a)؛ برای مبنا، می‌توان گفت که هویت شهروندی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی است که در بردارنده احساس تعلق، تعهد و احترام به میراث مشترک و تشخیص حقوق و تعلقات شهروندی است (Fatiminy, 2007, p.17). تعلق و تعهد به سازه‌ها و عناصر یکپارچه‌سازی (میراث مشترک) است که می‌توان از آن تعبیر به هویت کرد (ابوالحسنی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳).

هویت شهروندی می‌تواند شالوده و بنیاد هستی شهری شهروندان از یک طرف و ساختار شهری از طرف دیگر باشد؛ به این معنی که هویت شهروندی متشکل از حقوق و تکالیف شهروندی است و هویت شهروندی یکی از انواع هویت‌های متنوع و متکثر انسان‌هاست که شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین بنیادین مشترک است که در بردارنده احساس تعلق، تعهد و احترام به میراث مشترک، همچنین، تشخیص حقوق و تکالیف شهروندی است (Mohamadi et. al., 2010, p.68) و می‌تواند در جامعه باعث افزایش قانون‌گرایی، ارتقای سطح

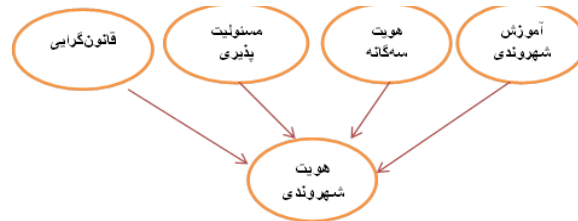
مسئولیت‌پذیری شهروندان، شناسایی هویت‌ها (سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) و توسعه آموزش شهروندی باشد.

روش پژوهش

با توجه هدف پژوهش (بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط با هویت شهروندی زنان شهر اصفهان با استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری) روش پژوهش حاضر از نوع پیمایش است. همچنین این پژوهش به لحاظ معیار زمان؛ مقطعی (سال ۱۳۹۷)، به لحاظ ماهیت؛ کاربردی و از نظر وسعت، پهنانگر است. جامعه آماری پژوهش شامل تمام زنان ۱۵-۵۹ ساله شهر اصفهان هستند که حجم نمونه بر اساس جدول لین^۱ تعداد ۳۸۴ نفر تعیین شدند. جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از طریق مراجعه مستقیم پژوهشگر به پاسخگویان و ارائه پرسشنامه به آن‌ها انجام گرفته است. به همین منظور، بر اساس مبانی نظری و تجربی پژوهش، گویه‌هایی که متغیرهای پژوهش را سنجش می‌کنند، از پژوهش‌های پیشین استخراج و پس از احراز اعتبار و پایایی آن در مراحل مقدماتی پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در مرحله نهایی استفاده شد. برای احراز اعتبار پرسشنامه از دو شیوه اعتبار محتوا (صوری) و فن تحلیل عامل تأییدی استفاده گردید؛ پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از رایج‌ترین رویکرد ارزیابی پایایی طیف لیکرت یعنی ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد و نتایج ضریب آلفای کرونباخ برای همه متغیرها بالای ۰/۷ بوده است. داده‌های گردآوری شده به کمک نرم‌افزارهای Spss و Amos Graphics تحلیل شد. به منظور تعیین شدت و برای تأثیر هویت شهروندی بر عوامل اجتماعی و فرهنگی از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است.

فرضیه‌های پژوهش

- یک. سطح قانون‌گرایی زنان شهر اصفهان با هویت شهروندی مرتبط است.
- دو. سطح مسئولیت‌پذیری زنان شهر اصفهان با هویت شهروندی مرتبط است.
- سه. هویت (سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) با هویت شهروندی مرتبط است.
- چهار. سطح آموزش شهروندی زنان شهر اصفهان با هویت شهروندی مرتبط است.



مدل ۱. مدل تحلیلی تحقیق

یافته‌های پژوهش

توصیف آماری پژوهش در دو بخش متغیرهای جمعیت‌شناختی و متغیرهای اصلی پژوهش دسته‌بندی شده است. بر اساس نتایج حاصل از توصیف متغیرهای جمعیت‌شناختی میانگین سن پاسخگویان ۳۱ سال و در بحث تأهل ۴۱/۷ درصد در دسته زنان متأهل و ۵۸/۳ درصد در دسته زنان مجرد قرار داشته‌اند. در مورد تحصیلات نیز ۱۵/۳ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۸/۱ درصد دارای تحصیلات دیپلم، ۴۲/۲ درصد دارای تحصیلات و ۱۲/۴ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری بوده‌اند. همچنین ۲۸/۷ درصد از پاسخگویان مهاجران و بقیه افراد ساکنان اصلی و بومی اصفهان بوده‌اند. در مورد اشتغال آن‌ها نیز ۳۹/۴ درصد شغل خود را آزاد عنوان کرده‌اند و حدود ۳۳ درصد افراد دارای مشاغل کارگر روزمزد و مشاغل خدماتی‌اند و بقیه نیز مشاغل خود را عنوان نکرده‌اند. در رتبه‌بندی درآمدی، سطح درآمد «یک میلیون تا یک میلیون و نیم در ماه» بیشترین فراوانی را هم در میان پاسخگویان با ۴۴/۲ درصد و درآمد بالای پنج میلیون تومان در ماه با ۴/۵ درصد کمترین فراوانی را داشته است. در مورد وضعیت مسکن ۴۸/۷ درصد دارای مسکن ملکی، و بقیه فاقد مسکن شخصی هستند و در خانه‌های رهنی و اجاره‌ای اسکان یافته‌اند. در مورد متغیرهای اصلی پژوهش نیز باید عنوان کرد که متغیر هویت شهروندی با شاخص‌های آن در جدول زیر توصیف آماری شده است.

جدول شماره ۱. توصیف متغیر هویت شهروندی و ابعاد آن در نمونه آماری پژوهش

متغیر	شاخص				
	میانگین	انحراف معیار	واریانس	کجی	کشیدگی
احساس تعلق به کشور	۳/۸۰	۱/۰۷	۱/۱۵	-۰/۸۲	۰/۰۴
پایبندی به هنجارهای مردم‌سالار	۳/۹۱	۰/۷۳	۰/۵۳	-۱/۱۳	۱
برخورداری از حقوق شهروندی	۲/۹۳	۰/۸۵	۰/۷۲	۰/۱۲	-۰/۳۰
هویت‌یابی	۳/۵۳	۰/۸۳	۰/۷۰	-۰/۲۲	-۰/۴۷
آگاهی شهروندی	۳/۷۸	۰/۷۰	۰/۴۹	-۰/۶۵	-۰/۰۳
اولویت منافع جمعی بر فردی	۳/۲۴	۰/۸۶	۰/۷۴	-۰/۲۸	-۰/۰۳
تعهد مدنی	۳/۴۷	۰/۷۸	۰/۶۲	-۰/۵۹	۰/۵۴
وفاداری به کشور	۳/۴	۰/۸۴	۰/۷۱	-۰/۳۶	-۰/۰۴
هویت شهروندی	۳/۵۲	۰/۴۸	۰/۲۳	-۰/۵۶	۱

برحسب مقادیر جدول بالا میانگین متغیر هویت شهروندی و ابعاد آن به جزء بعد برخورداری از حقوق شهروندی در نمونه آماری پژوهش بالاتر از حد متوسط یا میانگین مورد انتظار (۳) برآورد شده است؛ به عبارت دیگر، میانگین هویت شهروندی و بیشتر ابعاد آن در بین نمونه آماری بالاتر از حد متوسط قرار دارد.

یافته‌های استنباطی

در آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از ضرایب دومتغیره همبستگی پیرسون نتایج زیر حاصل شد.

جدول شماره ۲. ضریب همبستگی عوامل مرتبط با هویت شهروندی زنان شهر اصفهان

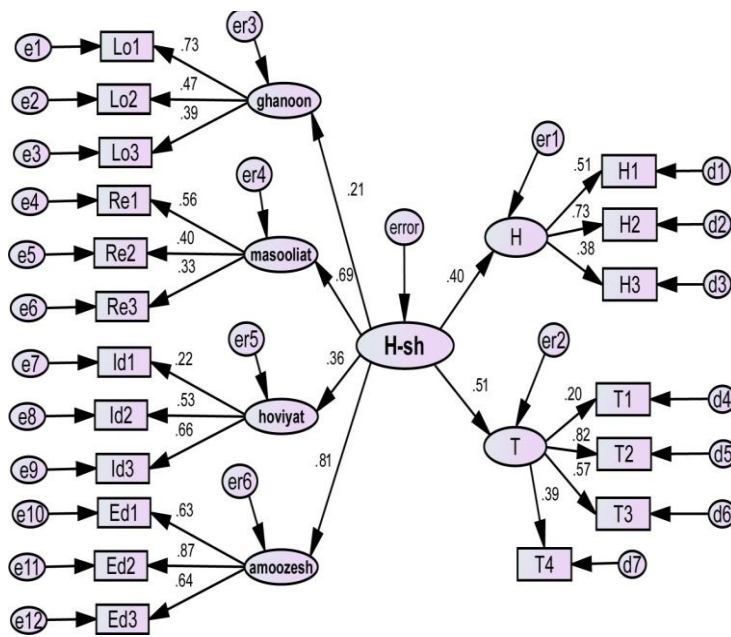
هویت شهروندی			متغیر
تعداد	سطح معناداری	ضریب پیرسون	
۳۸۴	۰/۰۰۸	۰/۳۳۷	قانون‌گرایی
۳۸۴	۰/۰۰۰	۰/۶۷۰	مسئولیت‌پذیری
۳۸۴	۰/۰۰۰	۰/۴۱۹	هویت‌های سه‌گانه
۳۸۴	۰/۰۰۰	۰/۸۶۲	آموزش شهروندی

برآورد مقادیر ضریب همبستگی پیرسون در جدول بالا نشان‌دهنده این است که یک. بین سطح قانون‌گرایی با هویت شهروندی با ضریب ۰/۳۳۷ رابطه مستقیم و معنادار نسبتاً ضعیفی وجود دارد و با افزایش سطح قانون‌گرایی، هویت شهروندی نیز افزایش پیدا خواهد کرد. دو. بین سطح مسئولیت‌پذیری با هویت شهروندی با ضریب ۰/۶۷۰ رابطه مستقیم و معناداری قوی وجود دارد و با افزایش سطح مسئولیت‌پذیری، هویت شهروندی نیز افزایش پیدا خواهد کرد و برعکس. سه. بین سطح هویت سه‌گانه با هویت شهروندی با ضریب ۰/۴۱۹ رابطه مستقیم و معنادار متوسطی وجود دارد و با افزایش هویت‌های سه‌گانه (سیاسی، اجتماعی و فرهنگی)، هویت شهروندی نیز افزایش پیدا خواهد کرد و برعکس. چهار. بین سطح آموزش شهروندی با هویت شهروندی با ضریب ۰/۸۶۲ رابطه مستقیم و معناداری است. با توجه به قوی بودن این رابطه با اطمینان می‌توان گفت آموزش شهروندی اثر قوی بر هویت شهروندی یا برعکس دارد؛ به طوری که با افزایش آموزش شهروندی، هویت شهروندی نیز شدیداً افزایش پیدا خواهد کرد. همچنین در هر چهار مورد، سطح معناداری کمتر از ۵ درصد، گویای این واقعیت آماری است که نتایج به‌دست‌آمده قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد.

آزمون مدل

در راستای آزمون فرضیات که همه نتایج مورد تأیید واقع شد، مدل‌سازی معادله ساختاری روابط بین متغیرها نیز بررسی می‌شود. به‌منظور تعیین شدت و برای رابطه بین متغیرهای اصلی از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است. در این

مدل اثر متغیرهای قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، هویت‌های سه‌گانه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و آموزش شهروندی بر متغیر هویت شهروندی با دو بعد حقوق و تکالیف شهروندی مورد آزمون و تحلیل ساختاری قرار گرفته است.



شکل شماره ۱. مدل معادله ساختاری عوامل مرتبط با هویت شهروندی

در این مدل، متغیر اصلی (هویت شهروندی) پژوهش که با دو مؤلفه اصلی حقوق (H) و تکالیف شهروندی (T) تعریف شده است، بر متغیرهای قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، هویت‌های سه‌گانه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و آموزش شهروندی تأثیر داشته است؛ بنابراین، متغیرهای قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، هویت‌های سه‌گانه و آموزش شهروندی عواملی اثرگذار بر هویت شهروندی زنان شهر اصفهان است که در این میان، تأثیر آموزش شهروندی بر هویت شهروندی بیشتر از متغیر قانون‌گرایی بوده است. در کل نتایج آماری اثر چهار متغیر مذکور را بر هویت شهروندی مستقیم و معنادار نشان داده است. مدل به لحاظ نظری دارای

پشتوانه نظری است و صاحب‌نظران مختلفی به زوایایی از این روابط به‌تلویح اشاره داشته‌اند. بر اساس نتایج حاصل از این مدل، متغیرهای حقوق و تکالیف شهروندی با ضرایب بالایی توانسته‌اند هویت شهروندی را تبیین کنند؛ هرچند خود این متغیرها دارای شاخص‌های برای تعریف است و اثر عاملی این شاخص‌ها گویای این واقعیت آماری است که شاخص به‌درستی انجام شده است. بر اساس ضرایب در بین حقوق و تکالیف شهروندی ضریب تکالیف شهروندی بیشتر بوده و این به معنی قدرت تبیین بیشتر این متغیر نسبت به حقوق شهروندی بوده است. در ارتباط با چهار متغیر قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، هویت‌های سه‌گانه و آموزش شهروندی نیز هرکدام از شاخص‌ها از قدرت تبیین‌کنندگی بالایی برخوردار بوده است و از بین این متغیرها آموزش شهروندی بیشترین اثر را بر هویت شهروندی با ضریب ۰/۸۱ دارد و بعدازآن نیز اثر سطح مسئولیت‌پذیری با ضریب ۰/۶۹ قابل تأمل است. بنابراین، برای آزمون روابط موجود در مدل به برآوردهای رگرسیونی اثر هویت شهروندی بر متغیرهای قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، هویت‌های سه‌گانه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و آموزش شهروندی در جدول زیر مراجعه می‌شود.

جدول شماره ۳. برآورد وزن‌های رگرسیونی اثرهای هویت شهروندی با نرم‌افزار Amos

Label	Estimate	S.E.	C.R	P
F-sh <--- mosharecat	۰/۱۰۲	۳	۳/۱۵۰	۰/۰۰۲
F-sh <--- masooliat	۰/۰۲۰	۰/۰۰۹	۲/۲۷۶	۰/۰۲۳
Hoviyat F-sh <---	۰/۰۲۰	۰/۰۱۱	۱/۷۹۳	۰/۰۷۳
F-sh <--- amoozesh	۰/۰۰۷	۰/۰۰۴	۱/۹۷۳	۰/۰۴۸
F-shH <---	۱			
T <--- F-sh	۲/۲۷۳	۰/۹۴۳	۲/۴۱۰	۰/۰۱۶
Mo3 <--- mosharecat	۰/۴۸۷	۰/۰۵۲	۲/۲۹۵	***
Mo2 <--- mosharecat	۰/۵۳۸	۰/۰۴۶	۱۱/۶۹۴	***
Mo1 <--- mosharecat	۱			
Re3 <---	۰/۶۸۳	۰/۱۹۷	۳/۴۷۰	***
Re2 <---	۰/۵۳۸	۰/۱۶۲	۳/۳۲۶	***
Re1 <---	۱			
Id3 <---	۷/۹۴۶	۹/۰۰۲	۰/۸۸۳	۰/۳۷۷
Id2 <---	۱/۳۸۶	۰/۴۰۰	۳/۴۶۸	***
Id1 <---	۱			
Ed3 <---	۱/۱۰۱	۰/۱۱۰	۹/۹۸۶	***
Ed2 <---	۱/۳۸۶	۰/۱۵۰	۹/۲۴۲	***
Ed1 <---	۱			
H1 <---	۱			
H2 <---	۱/۶۶۵	۰/۴۰۵	۴/۱۰۸	***
H3 <---	۰/۷۶۰	۰/۱۵۶	۴/۸۶۹	***
T1 <---	۱			
T2 <---	۵/۲۱۸	۱/۳۹۵	۳/۷۴۲	***
T3 <---	۳/۳۷۳	۰/۹۲۰	۳/۶۶۶	***
T4 <---	۲/۰۵۸	۰/۵۸۸	۳/۴۹۸	***

مقادیر برآوردشده در جدول بالا بیانگر این است که همه فرضیات پژوهش با اطمینان بالایی تأیید شده و اثر هرکدام از متغیرها بر روی همدیگر معنادار بوده است. این یافته‌ها در مدل‌سازی معادله ساختاری همسو با یافته‌های حاصل از آزمون فرضیات بوده است، هرچند تفاوت جزئی در مقدار ضرایب دیده می‌شود، اما کلیت کار در راستای هم و هم‌جهت هستند؛ به این ترتیب، با افزایش یک متغیر، متغیر هویت شهروندی نیز افزایش پیدا کرده است. در کل با توجه به فاصله اطمینان بالا و سطح معناداری (۰/۰۰۰) می‌توان با اطمینان بالایی نتایج حاصل از مطالعه نمونه را به جامعه آماری تعمیم داد.

شاخص‌های برازش مدل

در جدول زیر نتایج تحلیل ساختاری و شاخص‌های برازش نشان داده شده و مقادیر در جدول ذیل به اختصار آمده است. مقدار CMIN یا کای اسکوئر به دست آمده ۳۱۶/۷۹۲ شده که به نظر می‌رسد بالا باشد؛ اما مقدار کای اسکوئر نسبی CMIN/DF که از تقسیم کای بر درجه آزادی که مقدارش ۱۳۴ است، محاسبه می‌شود و در مدل اصلاح شده فوق ۲/۳۶۴ به دست آمده است که نتیجه قابل قبولی را برای مدل نشان می‌دهد. البته این شاخص به تنهایی برای برازش مدل کافی نیست و سایر شاخص‌های برازش نیز مقادیر قابل قبولی را نشان می‌دهند و در کل شاخص‌های برازش گویای برازش مطلوب و مناسبی برای مدل پژوهش هستند. این شاخص گویای این نکته است که چه مقدار حجم نمونه برای مدل کافی به نظر می‌رسد. بر اساس شاخص هلتر در فاصل اطمینان ۹۹ درصد برای این مدل، مقدار حجم نمونه ۱۲۰ نفر کافی به نظر می‌رسد، اما مدل پژوهش حاصل تحلیل ۳۸۴ مورد از حجم نمونه پژوهش است و این یعنی برازش خوب برای مدل از لحاظ حجم نمونه و سایر شاخص‌های برازش.

جدول شماره ۴. شاخص‌های برازندگی مدل

شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها	مقدار
CMIN	۳۱۶/۷۹۲	GFI	۰/۹۴۳	NFI	۰/۹۹۳
RMSEA	۰/۰۱۵	AGFI	۰/۹۴۱	RFI	۰/۹۰۹
CMIN/DF	۲/۳۶۴	CFI	۰/۹۸۶	HOELTER	۱۲۰

جمع‌بندی

هویت شهروندی زنان شهر اصفهان به عوامل زیادی مرتبط است، اما ادبیات نظری پژوهش متغیرهای قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، هویت‌های سه‌گانه و آموزش شهروندی را با هویت شهروندی مرتبط دانسته و به لحاظ نظری برای مدل تدوین شده یک پشتوانه قوی به نظر می‌آیند. هویت شهروندی همانند دیگر هویت‌های اجتماعی، اساس و بنیاد همبستگی و اتحاد اجتماعی محسوب می‌شود. در واقع بر مبنای احساس تعلق، وفاداری، این همان‌انگاری و... با ساختار شهری و خود شهر است که شهروندان هویت خودشان را شکل می‌دهند. هویت شهروندی، شکل‌گیری همبستگی با شهر و حیات شهری در ذهنیت شهروندان است. این همبستگی و همان‌انگاری بر مبنای احساس برابری (حداقل‌هایی از برابری) شکل گرفته است. در واقع، شهروندی که در یک شهر زندگی می‌کند، چون احساس می‌کند که ساختار شهری و شهر به معنای کلی برای وی احترام قائل است و او هم وی را بخشی از این ساختار قلمداد می‌کند، به آن احساس تعلق و هویت پیدا می‌کند. این امر ممکن است، ریشه‌ای تاریخی داشته و بر مبنای حافظه‌ای تاریخی شکل گرفته باشد. به هر حال، برابری و احساس همبستگی و تعلق به شهر اساس هویت شهروندی است. از طرفی صاحب‌نظرانی اجتماعی بر این عقیده هستند که هویت در جریان کنش متقابل اجتماعی و در تعامل بین فرد با جامعه شکل می‌گیرد. وجود ارزش‌ها، هنجارها به عنوان واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی که پیش از فرد وجود داشته‌اند و بر فرد تحمیل می‌شوند، نقش اساسی در شکل‌گیری هویت فرد دارند. هویت به‌ویژه هویت شهروندی نقشی دوگانه در ارتباط با برخی عوامل اجتماعی فرهنگی دارد. نتایج آماری این بررسی نشان داد که متغیرهای قانون‌گرایی،

مسئولیت‌پذیری، هویت‌های سه‌گانه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و آموزش شهروندی هرکدام رابطه مستقیم و معناداری با هویت شهروندی دارند. این به‌منزله آن است که با افزایش هریک از متغیرهای قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، هویت‌های سه‌گانه و آموزش شهروندی به همان اندازه بر هویت شهروندی زنان شهر اصفهان نیز افزوده می‌شود.

یافته‌های کمی پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی تحلیل شده که نتایج استنباطی نشان داده که اثر متغیرهای قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، هویت‌های سه‌گانه و آموزش شهروندی بر فرهنگ شهروندی با ضرایب مستقیم و معنادار بوده است. این ضرایب به ترتیب معناداری بیشترین اثر را آموزش شهروندی با ضریب ۰/۸۱، مسئولیت‌پذیری با ضریب ۰/۶۹، هویت‌های سه‌گانه با ضریب ۰/۳۶ و درنهایت قانون‌گرایی با ضریب ۰/۲۱ درصد بوده است. در این راستا، متغیرهای حقوق و تکالیف شهروندی نیز با ضرایب بالایی توانسته‌اند هویت شهروندی را تبیین کنند، هرچند خود این متغیرها دارای شاخص‌هایی برای تعریف هستند و اثر عاملی این شاخص‌ها گویای این واقعیت آماری است که شاخص‌سازی به‌درستی انجام شده است. هرچند در بحث پیشینه نظری پژوهش دقیقاً با این عنوان نداریم، اما نتایج پژوهش‌های مشابه نوعی هم‌راستایی را در ارتباط با نتایج نشان می‌دهد. بر این اساس، یافته‌های این پژوهش نشان داد که با یافته‌های شیانی و زارع (۱۳۹۷) در بحث تشخیص حقوق و تکالیف شهروندی، گنجی و همکاران (۱۳۹۲) در بحث هویت شهروندی در بافت قدیم و جدید شهر، محمدی و همکاران (۱۳۸۹) در بحث عوامل مرتبط با هویت شهروندی و درنهایت وثوقی و حضرتی (۱۳۹۱) در بحث نگرش به حقوق شهروندی همسو و هم‌جهت است.

بنا بر نتایج پیشنهاد می‌شود در وهله اول تأکید جدی بر آموزش شهروندی به‌عنوان قوی‌ترین مؤلفه اثرگذار تأکید شود. همچنین شرایط مدیریتی و فرهنگی جامعه، در آموزش به شهروندان از طریق رسانه‌ها و شبکه‌ها می‌تواند بسیار مفید باشد؛ بنابراین می‌طلبد تا دولتمردان با اجرایی کردن اصول قانون اساسی و ضمانت‌های اجرایی لازم برای اجرای اصول آن، زمینه ارتقای هویت شهروندی در ابعاد حقوقی آن را فراهم سازند و با شرایط اجرای ابعاد حقوقی، خودبه‌خود تکالیف

شهروندی نیز رشد مثبتی را تجربه خواهد کرد. علاوه بر اجرایی کردن اصول قانون اساسی توسط دولت، باید زمینه تعهد و مسئولیت‌پذیری شهروندان نسبت به ابعاد تکلیفی هویت شهروندی (عام‌گرایی، قانون‌گرایی و مدارای اجتماعی) در جامعه فراهم شود و برای ارتقای مسئولیت‌پذیری و تعهد به بُعد تکلیفی هویت شهروندی در جامعه لازم است تا اولاً در برنامه درسی و محتوای کتب درسی مدارس و برنامه‌های رسانه‌ای به اصول هویت شهروندی و نمادهای هویت‌بخش توجه و ارج داده شود و ثانیاً حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد در تمامی زمینه‌های سیاسی، مدنی و فرهنگی به منظور گسترش فرهنگ همدلی و مشارکت مردمی در اداره امور جامعه در دستور کار قرار گیرد.

یادداشت‌ها

1. Victor Hugo
2. Notre-Dame de Paris
3. Walter Benjamin
4. Lin

کتابنامه

- انصاری، منصور (۱۳۸۴). *دموکراسی گفتگویی*، تهران: نشر مرکز.
- ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۷). «مؤلفه‌های هویت ملی با رویکرد پژوهشی»، *فصلنامه سیاست، زمستان، ش ۴، دوره ۲۴، ۱-۲۲*.
- توسلی، غلام‌عباس و اصل زعیم، مهدی (۱۳۸۷). «بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر هویت اجتماعی جوانان؛ مورد مطالعه: شهر هشتگرد»، *مجله جامعه‌شناسی معاصر، سال اول، ش ۱، ۵-۲۵*.
- رحمانی، معصومه؛ اصغری‌زاده، عزت‌الله و اودرخانی، مهدیه (۱۳۹۳). «بررسی شاخص‌های مؤثر بر هویت شهروندی و راهکارهای ارتقای آن در شهر تهران؛ مطالعه موردی: منطقه ۳ تهران»، *مطالعات مدیریت شهری، تابستان، دوره ۶، ش ۱۸، ۹۶-۱۰۶*.

سلیمیان، سهیل (۱۳۹۶). «بررسی ارتباط بین هویت اجتماعی و فرهنگ شهروندی در شهر تهران»، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد شوشتر، سال یازدهم، ش ۳، ۱۳۱-۱۵۴. شیانلی، ملیحه (۱۳۸۴). «فقر، محرومیت و شهروندی در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۱۸، ۶۱-۸۳.

شیانلی، ملیحه و زارع، حنان (۱۳۹۷). «شهروندی شهری: حقوق و تکالیف شهروندان در شهر تهران»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، بهار، دوره ۹، ش ۳۴، ۹۵-۱۳۶. صرافلی، مظفر و عبداللهی، مجید (۱۳۸۷). «تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور»، پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۶۳، ۱۱۵-۱۳۴. فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی، تهران: نشر نی. گنجی، محمد؛ نیازی، محسن و برزگر، فاطمه (۱۳۹۲). «هویت شهروندی در بافت قدیم و جدید شهر کاشان»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، بهار، دوره ۳، ش ۶، ۱۲۳-۱۵۰.

محمدی، محمدعلی؛ شیانلی، ملیحه و روشن‌فکر، پیام (۱۳۸۹). «عوامل مرتبط با هویت شهروندی در شهر تهران»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، ش ۳۸، ۶۵-۸۶.

میرفردی، اصغر؛ مختاری، مریم؛ فرجی، مریم و دانش‌پذیر، هومان (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر فرهنگ شهروندی بر میزان گرایش به قانون‌گریزی؛ مورد مطالعه: شهر یاسوج»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، پاییز، دوره ۴، ش ۲، ۱-۲۰. وثوقی، منصور و حضرتی، مرتضی (۱۳۹۱). «بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه نمادین و نگرش به حقوق شهروندی؛ مطالعه موردی: شهر تبریز»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی، بهار، دوره ۴، ش ۱۴، ۱۴۱-۱۵۷.

وندایک، تنوای (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور تا گفتمان کاوی انتقادی، ترجمه گروه مترجمان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- Abolhasani, S. R. (2008). "Components of National Identity with a Research Approach", *Quarterly Journal of Politics*, Vol. 38, Issue 4, 1-22.
- Castells, M. (2006-a). *The Age of Information: Economy, Society and Culture: The Power of Identity*, Hassan Chavashian's Translation, Volume II, Tehran: Tarhe Noo.
- Castells, Manuel (2006-b). "Globalization and Identity, A Comparative Perspective", *Journal of Transfer*, No. 04, 56-67.
- Fahimi, F. (2014). *Non-Muslim Citizenship Rights in Islamic Society*, Tehran: Khorsandi Publishing.
- Falox, K. (2002). *Citizenship*, Translation by Mohammad Taghi Delfrooz, Tehran: Kavir Publishing.
- Fatiminya, S. (2007). "The Culture of Citizenship, the Product of a Good Governance, Active Organization and Active Citizen", *Social Welfare Quarterly*, No. 26, 53-59.
- Ganji, M., Niazi, M., Barzigar, F. (2013). "Citizenship Identity in the Old and New Context of Kashan City", *Urban Sociological Studies (Urban Studies)*, Spring, Volume 3, Issue 6, 123-150.
- Ghasemi, V. & Negini, S. (2010). "Investigating the Influence of Neighborhood Texture on Social Identity with Emphasis on Neighborhood Identity in Isfahan", *Urban and Regional Studies and Researches*, Volume 2, Issue 7, 136-311.
- Giddens, A. (2007). *Modernization and Diagnosis*, Translated by Naser Movafagian, Tehran: Nashr-e-Nay.
- Habermas, Jurgen. (1994). "Citizenship and National Identity", In: *The Condition of Citizenship*, Edited by Bart Van Steenberg, London: Sage Publications.
- Hall, S. (2007). *Representation and the Media*, Northampton, MA: Media Education Foundation.
- Mohammadi, M. A.; Shiyani, M. & Roshanfekar, P. (2010). "Factors related to urban identity in Tehran", *Social Welfare Quarterly*, Volume 10, No.38, 65-88.
- Sheiyani, M. (2005). "Poverty and Deprivation and Citizenship in Iran", *Social Welfare Quarterly*, No.18, 61-83.
- Sheiyani, M. & Sepahvand, E. (2013). "Radio and Citizenship; Relationship between Radio Content and Awareness of Citizenship

- Rights", *Social Studies and Research in Iran*, Volume 2, No.3, 469-503.
- Soltani, A.; Zargari Marandi, E. & Namdaryan, A. (2013). "Formation, Strengthening and Memory of Memory in Urban Spaces: A Case Study of Shahid Chamran Shiraz", *Journal of Residential and Rural Environment*, No.141, 87-99.
- Van Dijk, J. (2006). *The Deepening Divide Inequality in the Information Society*, Netherlands: University of Twente.
- Vosoughi, M. & Hazrati, M. (2012). "Sociological Study of the Relationship between Symbolic Capital and Attitude to Citizens' Rights", *Sociological Studies*, Vol. 4, No.14, 141-751.